

## منك مسجد جامع گرگان

### هو الله تعالى المستعان

قال الله تعالى يا داود انا جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس بالحق  
ابوالمظفر جهانشاه سيوزميز خلد الله ملكه وسلطانه واوضح على العالمين برهانه

حکام و سادات و قضاة و اکابر و اشراف و اصول اعیان و معاریف و مشاهیر  
و عمال و مباشران متصرفات اموال و متصدیان اشغال دیوانی دارالسعادة استرآباد  
چون بر فرمان همایون خلد نفاذه فی اقطار الربع المسکون واجب الاطاعة و الانقیاد  
مطلع کردند بدانند که چون بحکم من عدل ملک و من ظلم هلك هر صاحب دولتی  
که در روز بلاخیز اقتدار بمیزان عدل و مکیال با سوداگران امور معاش و معاد عمل  
نماید لاجرم يوماً فیوماً کفه وزن و مقدار او مرجح تر و معاملات ملک و دین او  
لحظة ملحظة رایج تر باشد و هر بی دولتی که دناءة همت و لؤم طبیعت دامن گیر او  
گردد ... المال نشو و نما دوروزه خود را سبب فساد بلاد و افساد عباد که و دایع  
حضرت آفریدگار جل جلاله اند سازد هر اینه مؤدای « فماربحت تجارتهم »  
ایشان را عرضه عبرت و سخره اهل روزگار ساخته حلق و گریبان کشان گاهی در  
مضیق نکال و گاهی در مجس و بال اندازد بحمد الله و حسن توفیقه که فطرة سلیمه  
و عادت مستقیمه ما بر نهج عدل و داد و منهاج ما طریق سداد و رشاد و ترفیه بلاد و  
تقویم امور عباد مجبول است الحمد لله علی ذلك اولاً و آخراً بناءً علی هذا النعمة  
العظمی بدعتی مذمومه که با باحسن به اهل اسواق اینجا تحمیل کرده بود و هر  
ساله مبلغ هفتاد هزار دینار کپکی باسم مقرر و لشکر از اصناف و محترمه می ستد  
چون و بال هموم آن عاید خلائق بود و از این ممر بسیاری خرابی باحوال این  
طایفه راه یافته دانسته و بخشیدیم و رفع فرمودیم و بنیان آن امر مکروه را مستأصل  
گردانیدیم باید که مطلقاً قلم و قدم از این معنی کوتاه و کشیده دارند و بهیچ وجه

من الوجوه پیرامون آن وجه ناموجه نکردند و از دفاتر اخراج نمایند و تغییر و  
تبدیل بقواعد منیع آن راه ندهند و هر سال حکم و پروا آنچه مجدد استیناف نجویند  
و شکر و شکایت این طائفه را مؤثر شناسند و خلاف کننده در لغت و سخط باری سبحانه  
و تعالی و ملائکه و انبیاء و اولیاء و معرض خطاب و عتاب بلیغ خواهد بود از جوانب  
بر این جمله روند و چون بتوقیع رفیع اشرف موشح و مصحح و مزین گرد اعتماد  
نمایند . کتب بالامر العالی اعلاه الله تعالی و خلد نفاذه فی التاسع من جمادی الاولی  
سنة اثنی وستین و ثمانمائة (۸۶۲)

ساعی این خیرات المنیر العظیم مفخر الامراء الزمان امیر جلال الدین بیک  
بایزید و مرتضی اعظم امیر سید عاشور و افتخار الوزراء مولانا شمس الدین محمد . .

عمل یزدان بخش بن احمد التبریزی